

صحابه و روابطشان با خاندان پیامبر

✦ خدارحم لکزایی

شماره‌های بعدی نیز ادامه خواهد یافت ابتدا بطور خلاصه و کوتاه فضایل خلفای راشدین و خویشاوندان آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - را به یاری خداوند متعال بیان نموده، روابط فیما بین آن فداییان اسلام را که برگرفته از کتابهای فریقین - شیعه و سنی - است تقدیم خوانندگان محترم کنیم. اینک مناقب و فضایل آن جانثاران اسلام را از گفته‌های گرانبهای نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. قال الرسول - صلی الله علیه وسلم -: ابوبکر و عمر سیدا کهل اهل الجنة من الأولین و الآخرین إلا النبیین و المرسلین رواه احمد و الترمذی.

رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه وسلم - در این حدیث که امام احمد و ترمذی آن را روایت کرده‌اند، حضرات شیخین، ابوبکر صدیق و عمر فاروق را سرداران میان سال اولین و آخرین اهل بهشت بجز پیامبران و رسولان نیامده‌اند در جای دیگر فرموده‌اند: ابوبکر صاحبی و موسی فی الغار سدوا کل خوخة الا خوخة ابی بکر رواه عبد الله بن احمد.

ابوبکر همراه و همدم من در غار است. تمام دریچه‌ها بجز دریچه خانه ابوبکر را ببندید این خود بزرگ‌ترین فضل و افتخار برای ابوبکر صدیق محسوب می‌شود. درباره حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - فرموده است: ان الله تعالی جعل الحق علی لسان عمر و قلبه، رواه احمد و الترمذی. همانا خداوند حق را از زبان و قلب عمر - رضی الله عنه - جاری کرده است. در رابطه با ذی النورین چنین فرموده‌اند: عثمان بن عفان ولی فی الدنيا و الآخرة. رواه ابویعلی

اللهم لك الحمد كما ينبغى لجلالك و الصلوة و السلام علی حبیبك و جندك یا مقلب القلوب ثبت قلوبنا علی دینك، خداوند متعال می‌فرماید:

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر، و ما بدلوا تبدیلاً^(۱)

برخی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، و برخی بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه خدا شهید شدند و برخی دیگر در انتظار مقاومت هستند و عهد خود را تغییر ندادند.

امروزه اقوام و ملل دنیا برای زنده کردن تمدنهای مرده خود سعی و کوشش می‌کنند، آنهایی که گذشته‌ای تاریک داشتند در صدد روشن کردن حال و آینده‌ای درخشانند. حتی بعضی طبقات و گروهها از افرادی فرضی و خیالی تجسم عینی ساخته برای خود افتخار می‌آفرینند.

اما مسلمانان که دارای گذشته‌ای افتخار آفرین و اظهر من الشمس هستند متأسفانه تاریخ درخشان و قهرمانان تاریخ ساز خود یعنی همان مردانی را که تاریخ پرشکوه اسلام را ورق زده و آن را جاودانه کرده‌اند، به فراموشی سپرده‌اند و در واقع امروز بیش از هر زمان به این راد مردان تاریخ و الگوهای زنده نیاز داریم. آنانی که تحت سخت‌ترین شرایط از عقیده و کیان اسلام پاسداری نمودند و در راه دعوتی که بدان ایمان داشتند با عشق و اخلاص کامل پروانه وار جان باختند و خشت‌های اولیه ایمان را بنا نهادند و با شهادت خویش در برابر تهاجم زورگویان از اسلام دفاع نمودند تا این کور سو به خورشیدی جهانتاب مبدل گردید.

ما در صدد هستیم که در این سلسله مقالات که دنباله‌اش در

داشتند! با توجه به حوادث و واقعات تاریخی پی خواهیم برد که ایشان خاندان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را بر خاندان و خویشاوندان خود ترجیح می دادند در مشکلات غمخوار و یاور آنان بودند، برای اثبات این مدعا اینک به بررسی بعضی از وقایع و حوادث می پردازیم.

خواستگاری حضرت زهراء و نقش حضرت ابوبکر صدیق و عمر فاروق (رضی الله تعالی عنهما) در آن:

اگر بیطرفانه و دور از گرایش و احساسات مذهبی به بررسی این واقعه پردازیم به حقیقت پی خواهیم برد که بزرگترین محرک و مشوق حضرت علی (کرم الله وجهه) برای خواستگاری فاطمة الزهراء (رضی الله تعالی عنها) حضرت ابوبکر صدیق و عمر فاروق (رضی الله تعالی عنهما) بودند.

ملا محمد باقر مجلسی - از علماء شیعه - در جلاء العیون در بیان تزویج امیر المؤمنین و فاطمة الزهراء (رضی الله تعالی عنهما) چنین نوشته است: «روایت کرده اند روزی ابوبکر و عمر و سعد بن معاذ در مسجد حضرت رسول - صلی الله علیه وسلم - نشسته بودند و سخن مزاجه حضرت فاطمة در میان آوردند. پس ابوبکر گفت: که اشراف قریش خواستگاری او از آن حضرت نمودند، حضرت در جواب ایشان فرمود که امر او به سوی پروردگار اوست اگر خواهد که او را تزویج نماید خواهد نمود و علی ابن ابیطالب در این باب با حضرت - صلی الله علیه وسلم - سخن نگفت و کسی نیز برای آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - سخن نگفت و گمان ندارم که چیزی مانع شده باشد؛ او را مگر تنگدستی و آنچه میدانم آنست که خدا و رسول - صلی الله علیه وسلم - فاطمة را نگاه نداشته اند مگر از برای او. پس ابوبکر با عمر و سعد بن معاذ گفت که برخیزید به نزد علی برویم و او را تکلیف نمائیم که خواستگاری فاطمة بکند و اگر تنگدستی او را مانع شده باشد، ما او را درین باب مدد کنیم، سعد بن معاذ گفت که بسیار درست دیده و بر خواستند به خانه امیر المؤمنین رفتند آن جناب را در خانه نیافتند؛ در آن وقت حضرت (ع) شتر خود را برده در باغ مردی از انصاری آب می کشید به اجرت پس متوجه آن باغ شدند. چون به خدمت

عثمان پسر عفان در دنیا و آخرت دوست و ولی من است و در جای دیگر فرمودند: ما زوجت عثمان ام کلثوم الا یوحی من السماء. رواه الطبرانی.

من ام کلثوم را به دستور وحی در عقد نکاح عثمان در آوردم. درباره حضرت علی المرتضی فاتح خیبر - رضی الله عنه - نبی اکرم چنین فرموده اند: یا علی انت. أخی فی الدنیا و الاخرة، رواه الترمذی. ای علی تو در دنیا و آخرت برادر من هستی و در حدیثی فرمودند: ان الله امرنی ان ازوج فاطمة من علی، رواه الطبرانی. خداوند به من دستور داد تا فاطمة را در نکاح علی در بیاورم.

و در روایتی فرموده است: أتانی ملک فسلم علی، نزل من السماء و لم ينزل قلبها فبشری ان الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة و ان فاطمة سيدة نساء اهل الجنة، رواه ابن عساکر. یعنی به نزد من فرشته ای آمده بر من سلام کرد. این فرشته از آسمان فرود آمد و قبل از آن فرود نیامده بود پس به من مژده داد همانا حسن و حسین سرداران جوانان اهل بهشت هستند و فاطمه خاتون زنان اهل بهشت است.

و در حدیثی فرموده است: ان الحسن و الحسين هما ریحاتای من الدنیا رواه الترمذی. همانا حسن و حسین در دنیا دو گل باغ من یعنی دو ثمره قلب من هستند.

برای اینکه بدانیم یاران رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - با یکدیگر چه برخورد و رابطه ای داشتند، بهتر است به کلام خداوند و معجزه بزرگ استاد آن ابر مردان تاریخ رجوع کنیم. خداوند در رابطه با یاران رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم

محمد - صلی الله علیه وسلم - پیامبر خداست و آنانیکه همراه او هستند بر کافران سخت و با یکدیگر مهربانند.

در قرآن کریم آیات متعددی در این راستا ذکر شده ما در این نوشتار فقط به همین آیت اکتفا می کنیم. البته این آیت صفات یاران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را بطور کلی و عام بیان کرده، اما یاران خاتم النبیین - صلی الله علیه وسلم - بطور اخص با خاندان و خویشاوندان نسبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - چه نوع برخورد و روابط و تعلقاتی

آن حضرت رسیدند فرمود که «برای چه حاجت آمده اید؟» ابوبکر گفت: ای ابو الحسن هیچ خصلتی از خصال خیر نیست مگر آنکه تو بر دیگران در آن خصلت سبقت گرفته و رابطه میان تو و حضرت رسول - صلی الله علیه و سلم از جهت خویشی و مصاحبت دائمی و نصرت و یاری و روابط معنوی معلوم است... پس چه مانع است ترا که خواستگاری نمی نمائی او را زیرا که مرا گمان آن است که خداوند و رسول او را برای تو نگاه داشته اند و از دیگران منع می کنند. چون حضرت امیر المؤمنین این سخنان را از ابوبکر شنید آب از دیده های مبارکش فرو ریخت و فرمود: که اندوه مرا تازه کردی و آرزوئی که در سینه من پنهان بود به هیجان آوردی، که باشد که فاطمه را نخواهد؟ و لیکن به اعتبار تنگدستی شرم می کنم از آنکه این معنی را اظهار نمایم. پس ایشان بهر نحو که بود آن حضرت را راضی کردند که به خدمت حضرت رسول - صلی الله علیه و سلم - رود و فاطمه را از آن حضرت خواستگاری نماید. حضرت شتر خود را گشود و به خانه آورد و بست و نعلین خود را پوشید و متوجه خانه حضرت رسالت - صلی الله علیه و سلم - شد.^(۱)

شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی در امالی جلد اول به همین منظور روایت دیگری به زبان عربی نقل کرده است و ملا باقر مجلسی در جلاء العیون آن روایت را به زبان فارسی چنین ترجمه نموده، «شیخ طوسی به سند معتبر از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که نزد من آمدند ابوبکر و عمر گفتند چرا به نزد حضرت رسول نمی روی که فاطمه را خواستگاری نمائی؟ پس من رفتم به خدمت آن حضرت چون نظر مبارکش بر من افتاد خندان شد و فرمود: برای چه آمده ای ای ابو الحسن؟ حاجت خود را بیان کن. پس من عرض کردم به خدمت آن حضرت - صلی الله علیه و سلم - ... گفتم یا رسول الله استدعا می نمایم که فاطمه را به من تزویج کنی... باش تا بروم و به نزد تو برگردم. چون حضرت رسول - صلی الله علیه و سلم - به نزد فاطمه رفت، فاطمه برخاست و ردای مبارکش را برگرفت و نعلین را از پای مبارکش کند. آب آورد و دست و پایش را شست. پس در خدمت آن حضرت نشست حضرت فرمود: ای فاطمه فرمود که لبیک، چه

حاجت داری یا رسول الله - صلی الله علیه و سلم - حضرت فرمود: ای فاطمه میدانی قرابت علی بن ابی طالب و فضیلت او را... و او در امر خواستگاری تو سخنی گفت پس چه مصلحت میدانی؟ حضرت فاطمه چون این سخن را شنید ساکت گردید و لیکن روی خود را نگردانید. و اظهار کراهت نفرمود.

پس حضرت رسول برخاست و فرمود الله اکبر، ساکت شدن او علامت راضی شدن اوست.^(۲)

همین واقعه را میرزا رفیع با ذل در «حمله حیدری» چنین به نظم در آورده است که قسمتی از آن تقدیم خوانندگان محترم می شود:

چو بگذشت چندی بدین داوری

یکی روز رفتند نزد علی

زیاران مخصوص او چند تن

بگفتند ای شمع آن انجمن

درین کار خیر اولویت تراست

سکوتت درین خطبه چندی چراست

رو از خدمت سید انبیاء

بکن خواستگاری خیر الناء

به پاسخ چنین گفت یعسوب دین

که دارم دو مانع بر اقدام این

تخت آنکه شرم آیدم از نبی

دوم خامشم کرده دست تهی

بگفتند یارانش ای شهر یار

تو در خاطر خویش از اینها میار

ترا با نبی نسبت دیگر است

ازو آنچه خواهی کنی در خورست

زدست تهی نیز بر خود مپیچ

نخواهد رسول کریم از تو هیچ

۱- جلاء العیون ملا باقر مجلسی ص ۱۰۴ فصل پنجم در بیان تزویج امیر المؤمنین و فاطمه، طبع انتشارات رسیدی چاپخانه آراین سال چاپ، ۱۳۶۲

۲- جلاء العیون ملا باقر مجلسی ص ۱۰۳ فصل پنجم در بیان تزویج امیر المؤمنین و حضرت فاطمه

حضرت ابوبکر و عمر رضی الله تعالی عنهما در این راستا او را تسلی دادند. این هم دال بر مودت و دوستی فیما بین آن جانثاران اسلام است.

۳- حضرت علی -- رضی الله عنه -- این مشوره خیر خواهانه را پذیرفت و برای این کار خیر اقدام نمود. این خود نشانه اعتماد حضرت علی -- رضی الله عنه -- به حضرت صدیق و فاروق - رضی الله تعالی عنهما بود.

در پایان بعد از نقل روایت ذکر شده داوری بر عهده خوانندگان محترم است.

منابع:

جلاء العیون - فضائل صحابه از شاه عبد العزیز - ترمذی - رحماء

بینهم

به ترغیب یاران علی ولی

بروز دگر رفت نزد نبی

حمله حیدری ج ۱ ص ۶۱

از روایاتی که شیخ ابو جعفر طوسی و ملا باقر مجلسی و میرزا رفیع باذل - از علماء برجسته شیعه - نقل کرده‌اند نکات ذیل استنباط می‌شود.

۱- حضرت ابوبکر صدیق و عمر فاروق - رضی الله تعالی عنهما - به حضرت علی المرتضی - رضی الله عنه - پیشنهاد کردند که از حضرت فاطمه زهراء - رضی الله تعالی عنهما - خواستگاری کنند. این خود دلیلی بارزی بر خیر خواهی ایشان در حق حضرت علی کرم الله وجهه - است.

۲- نداشتن مال و سرمایه در راه نکاح مانع و مشکلی بود

